

(و عدد چهار ماه به پندارشان کامل گردد) و بدین ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال شمرند. کارهای زشتشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی کند». (توبه/۹، ۳۷)

ابو ثمامه تا دوران خلافت خلیفه دوم زنده بود.<sup>۱</sup> منابع به مسلمان شدن و تاریخ وفاتش اشاره ندارند. تنها سهیلی قائل به مسلمان شدن اوست. او به گزارشی استناد می کند که حاکی از حضور ابو ثمامه در مراسم حج در دوران خلافت عمر بن خطاب است.<sup>۲</sup> از گزارش‌ها برمی آید که وی تا سال نهم ق. مشرک بوده است.<sup>۳</sup> بنا بر این، گویا گرویدن او به اسلام، پس از فتح مکه بوده است.

#### ◀ منابع

اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۱۵ ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ ق.)، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق؛ البدایة و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق.)، بیروت، مکتبه المعارف؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، به کوشش محمد

۱. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. الاصابه، ج ۱، ص ۶۱۰.

۳. نک: التنبيه و الاشراف، ص ۱۸۶.

ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ ق؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان: مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ ق.)، به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت، التاریخ العربی، ۱۴۲۳ ق؛ التنبيه و الاشراف: المسعودی (م. ۳۴۵ ق.)، بیروت، دار صعب؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ ق.)، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸ ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المکتبه العلمیه؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتز، بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.

سید مرتضی حسینی شاه ترابی



#### ابو جعفر محمد بن حسن عباسی: از

والیان مکه در سده چهارم ق.

ابو جعفر محمد بن حسن بن عبدالعزیز به عباسیان نسب می برد.<sup>۴</sup> در منابع از زندگی او اطلاعی ارائه نشده است. بر پایه گزارشی، پس از آرام شدن اوضاع مکه که به سبب هجوم قرامطه\* به سال ۳۱۷ ق. بحرانی شده بود، به

۴. امراء مکه، ص ۱۲۷.

بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق؛ تاریخ مکه: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، نادى مكة الثقافى، ۱۴۰۴ق؛ خلاصة الكلام فى بيان امراء البلد الحرام: احمد بن زینى دحلان (م. ۱۳۰۴ق.)، مصر، المطبعة الخيرية، ۱۳۰۵ق؛ شفاء الغرام: محمد الفاسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش مصطفى محمد، مکه، النهضة الحديثه، ۱۹۹۹م؛ العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين: محمد الفاسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش فؤاد سير، مصر، الرساله، ۱۴۰۶ق.

سید مجتبی حسینی



## ابوجهل: رئیس تیره بنی مخزوم و از

### دشمنان سرسخت پیامبر ﷺ در مکه

عمرو بن هشام بن مغیره از تیره بنی مخزوم قبیله قریش بود. از این رو که مادرش اُسماء بنت مخربه/مخرمه بن جندل از بنی نهشل بن دارم بن مالک بن حنظله بود<sup>۱</sup>، او را ابن الحنظلیه<sup>۲</sup> نیز خوانده اند. پدرش هشام از مردان سرشناس و مهمان نواز مکه به شمار می رفت و بر بنی مخزوم ریاست داشت. قریش مرگ او را مبدأ تاریخ خود قرار داد.<sup>۳</sup> از زمان ولادت

۱. المحتر، ص ۱۳۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. الطبقات، ج ۶، ص ۳؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۲۳.

۳. السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۲۳؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۴۸.

۴. المحتر، ص ۱۳۹؛ المنمق، ص ۳۲۲.

ولایت مکه رسید.<sup>۱</sup> فاسی به نقل از مورخ مصری، محمد بن یوسف صاحب کتاب *الولاية والقضاء*، حکمرانی اش را در سال ۳۳۸ق. پس از عزل او از منصب قاضی القضاة مصر در همین سال دانسته و آورده است که ولایت او بر مکه می بایست از سوی علی بن اخشید باشد<sup>۲</sup> که در پی درگذشت پدرش محمد بن طُغج اخشید در سال ۳۳۴ق. اداره امور به دو فرزندش علی و ابوالقاسم رسید.<sup>۳</sup> گفته اند که ابوجعفر، معاون علی در حکومت اخشیدیان بوده است.<sup>۴</sup>

در سال ۳۳۱ق. ولایت شام، مصر و حرمین از سوی خلیفه عباسی، المتقی، به ابوبکر بن محمد بن طُغج واگذار شد. او از اوضاع نابسامان عباسیان بهره گرفت و حکومتی مستقل تأسیس کرد.<sup>۵</sup>

### ◀ منابع

امراء مکه عبر عصور الاسلام: عبدالفتاح راوه، الطائف، مكتبة المعارف؛ البداية و النهاية: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به كوشش علی شیری،

۱. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۳۱؛ خلاصة الكلام، ص ۱۵.

۲. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۳۱؛ خلاصة الكلام، ص ۱۵؛ امراء مکه، ص ۱۲۷.

۳. العقد الثمين، ج ۱، ص ۱۷۰.

۴. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۳۱؛ خلاصة الكلام، ص ۱۵؛ تاریخ مکه، ص ۱۷۵.

۵. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۲۹۹-۳۰۱؛ البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۱۹۲-۲۱۵.